

## توصیه‌ای برای اثاث‌کشی‌ها!

حتما فهرستی از وسایلاتان تهیه کنید به طوری که در انتهای کار خیلی راحت بتوانید آنها را کنار یکدیگر قرار دهید و مطمئن شوید همه آنها موجود هستند. بهتر است هر وسیله‌ای را مطابق با ماهیت در جعبه‌های به خصوصی قرار دهید و روی آنها نام و محتویات درون جعبه را نیز یادداشت کنید. اگر قصد دارید به منزل کوچک‌تری نقل مکان کنید، همان‌طور که گفته‌شد باید وسایلی را که دیگر به آنها نیاز ندارید، دور بریزید؛ زیرا این دست وسایل تنها جا و وقت زیادی را اشغال می‌کنند و مدت‌ها بدون استفاده می‌مانند. اسباب‌کشی منزل کار سختی نیست به شرط این‌که نکات اشاره‌شده را رعایت کنید.

## بار اثاث‌کشی وقتی سنگین‌تر است که نه فقط به یک خانه جدید که به یک دنیای جدید باشد

# اثاث‌کشی‌های بی‌اساس



علی گنجی

روزنامه نگاری که به یک قاره دیگر اثاث‌کشی کرده‌است

مثل پریدن از یک بلندی یا شاید شوت‌کردن یک توپ. فکر که می‌کنیم احساس می‌کنیم توانایی انجامش را داریم. وقتی یک بازیکن فوتبال را می‌بینیم که ضربه‌اش را خوب نمی‌زند یا خوب نمی‌پرد، با خود می‌گوییم اگر من بودم راحت انجامش می‌دادم. اسباب‌کشی هم همین است. وقتی به آن فکر می‌کنیم یا می‌بینیم کسی انجامش می‌دهد، احساس‌مان این است که ما هم توانایی انجامش را داریم و آسان است. فقط وقتی که در بطنش قرار می‌گیریم و قرار است واقعا انجامش دهیم، عمق فاجعه و سختی‌اش را درک می‌کنیم. ما درخت نیستیم اما گاهی عمیق‌تر از یک درخت در جای خودمان ریشه می‌زنیم و اصلا توان جابه‌جا شدن نداریم. اگر هم جایمان را به زور عوض کنند، مثل یک نهال و بوته حساس، خشک می‌شویم و می‌میریم. اگر هم باز جوانه بزنیم، دیگر آن جان و نشاط سابق را نداریم. مثل قانون لغتی یا اینرسی فیزیک، ما هم مثل ماده‌ها دوست داریم حالت اولیه خود را حفظ کنیم؛ مگر آن‌که نیرویی خارجی آنقدر قوی باشد که ما را از جایمان بلند کند. من اولین اثاث‌کشی اجباری را زمانی درک کردم که پدرم خانه‌ای مستقل خرید و قرار شد از خانه مادر بزرگ برویم. مادرم می‌گفت تا کوچک هستیم باید به جای جدید و مستقل برویم تا بتوانیم عادت کنیم. من آن موقع‌ها را یادم نیست و این تعویض خاک و گلدان، گل‌هایمان را پژمرده نکرد. اما چند سال بعد که دومین اثاث‌کشی را تجربه کردم، کمی پژمرده شدم.

پدر خانه جدیدی نخریده بود اما صاحب ساختمان مدرسه‌مان در میدان ۵۵ نارمک، ملکش را از آموزش و پرورش پس گرفته بود و پنج پایه‌تحصیلی در دو شیفت صبح و بعدازظهر را مجبور به اسباب‌کشی کرده بود. مدیر هم از دانش‌آموزان استفاده می‌کرد تا وسایل و نیمکت‌های مدرسه را به دو میدان بالاتر ببرند تا کار زودتر تمام شود و بودجه نداشته‌شان صرف کارگر نشود. عظم آنقدر نمی‌رسید و جابه‌جایی نیمکت و صندلی را به یک مسخره‌بازی عظیم بدل کردیم و دو روزه کار تمام شد. روز آخر اثاث‌کشی خانم معلم را دیدم که گریه می‌کند. دلیل گریه‌اش را که پرسیدم، اشاره‌ای به گلدان‌های پشت پنجره کلاس کرد و گفت که نمی‌تواند گلدان‌ها را با خودش بیاورد چون ساختمان جدید کوچک است و جایی برای آنها نیست. کلاس جدیدمان اصلا پنجره نداشت. من از همان موقع فهمیدم اثاث‌کشی اصلا خنده‌دار نیست. اگر نتوانم گلدان‌هایم را به جای جدید ببرم چه؟ اگر خانه جدید پنجره نداشته باشد چه کنم؟

## اثاث‌کشی به خانواده جدید

شیرین‌ترین اثاث‌کشی اجباری دنیا برای کودکانی است که به معنای واقعی کلمه خانه پیدا می‌کنند. طبق آمار بهزیستی، حدود ۲۵۰ هزار یتیم زیر ۱۸ سال وجود دارند که تحت‌پوشش سازمان و خیرین قرار دارند اما تعداد کمی از آنها به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شوند و می‌توانند از بهزیستی اسباب‌کشی کنند. مارتینا یکی از پرستاران مرکز کودکان بی‌سرپرست در بوداپست است که می‌گوید شیرین‌ترین خاطراتش جشن اسباب‌کشی کودکانی است که قرار است به خانه جدید بروند. در مرکزی که او کار می‌کند، وقتی سرپرستی کودکی

## اضافه بار جریمه دارد



اثاث‌کشی به دو میدان بالاتر آنقدرها هم کار سختی نیست وقتی قرار باشد به دو قاره آن‌طرف‌تر مهاجرت کنیم. اسباب‌کشی اجباری اولین کابوس همه مهاجران است. در اول صف فرودگاه، بعد از این‌که بلیت و گذرنامه و روادیدت چک شد، چمدانی که از حالا به بعد همه دار و ندار شماست، وزن می‌شود. اولین بار که در صف بوردینگ فرودگاه

## از خانه خودت برو بیرون!

از انواع اثاث‌کشی‌های اجباری، مستقل شدن از کانون خانواده است. البته بیشتر در اروپا و آمریکا این‌طور است که وقتی بچه به ۱۸ سال رسید، در خروجی را نشانش می‌دهند و توقع دارند بتواند بدون پدر و مادر به زندگی‌اش ادامه دهد. در ایران هم البته درصدی از خانواده‌ها، یا به زور یا دلخواه خودشان، فرزندشان را به خانه دیگری می‌فرستند تا زندگی خودش را داشته باشد.

در مدل خارجی معمولا فرزند خانواده در کالجی قبولش شده و همزمان یک شغل نیمه‌وقت هم پیدا می‌کند تا خرج زندگی‌اش را در بیاورد. پدر و مادر هم جز آرزوی موفقیت، کار دیگری برای فرزندشان نمی‌کنند و این اثاث‌کشی در شروع سن قانونی به مثابه خروج آنها از کانون خانواده هم هست. بسیاری از جوانان اروپایی و آمریکایی، بعد از این اسباب‌کشی دیگر رابطه آنجانی هم با والدین خود ندارند و اگر خیلی فرزند خوبی باشند شاید برای کریسمس یا عید پاک سری به پدر و مادرشان بزنند.

در ایران البته این استقلال و جدایی از والدین جور دیگری جا افتاده. پدر پولدار برای پسر لوسش که هوس خانه مجردي کرده یک آپارتمان شیک اجاره می‌کند که آقازاده حتی از مقدار آجاره‌اش هم خبر ندارد. مادر خانواده هم غذای فرزندش را بقچه‌پیچ می‌کند و هر روز برایش می‌فرستد تا یک‌وقت غذای بیرون، در مستقل شدن فرزندش خدش‌های وارد نکند. این مدل والدین که معنای جدیدی به واژه مستقل شدن بخشیده‌اند، معمولا این حمایت را تا آخر عمر ادامه می‌دهند. اثاث‌کشی این‌جور مرفهین از بی‌دردترین اثاث‌کشی‌هاست که تشنه کمی خلوت هستند تا صداهايشان کسی را اذیت نکند.

### اثاث‌کشی از خانه‌هایی که کرسی حکومت دارند سخت است

# صاحبخانه‌های خودخوانده

علی رئوف

روزنامه نگاری که هویت حقیقی‌اش مشخص نیست!

در کاخ سعدآباد قدم می‌زدیم. برف‌های اسفندماه کم‌کم آب می‌شدند اما هنوز ردی از سرماي زمستان در تن هوا بود. لیوان قهوه‌ام رامزه مزه می‌کردم و در کاخ قدم می‌زدیم. مثل همه آدم‌هایی که در یک پارک معمولی در سطح شهرشان

قدم می‌زنند. فقط فرقی این بود که گاهی با خودم فکر می‌کردم جایی که دارم پا می‌گذارم قبلا چه افرادی پا گذاشته‌اند؟ اصلا آن زمانی که این کاخ برای خودش برو و بیایی داشته، یک شهروند مثل من می‌توانسته بیاید زیر این درختان راه برود و قهوه بنوشد؟ در همین فکرها بودم و دیگر هیچ صدایی نبود به جز گاهگاهی صدای کلاغ‌ها و صدای چکه‌های برف روی زمین و البته صدای قدم‌های پیرمردی که کنارم راه می‌آمد. هیچ نمی‌گفت اما از تنظیم‌کردن سرعتش با من مشخص بود که دوست دارد چوری سر صحبت را باز کند. احساس می‌کردم این کافی است که فقط

که از این کاخ اثاث کشی کرده و رفته‌اند.

اصلا می‌دانید فرق کاخ ریاست جمهوری با کاخ پادشاهی چیست؟ فرقی در مستاجر و صاحب‌خانه بودن است، فرقی این است که رئیس جمهور می‌داند که ۴ سال در این اجاره‌ای مستاجر است و اگر با مردمی که صاحب‌خانه‌اند درست تا کند احتمال دارد که بگذارند یک دوره چهار ساله دیگر هم آن‌جا مستاجر باشد، اما بعد باید اثاثش را جمع کند و برود و کلید را هم تحویل مستاجر بعدی بدهد. اما کاخ ریاست جمهوری قصه‌اش فرق می‌کند. شاه مملکت خانه‌ای را با پول مردم برای سلطنتش می‌سازد و خود را صاحب خانه می‌کند. طوری هم صاحب‌خانه می‌شود که اگر روزی مردم جوباش کردند و اثاثش را ریختند در خیابان، باز هم پیرمردهای قدیمی به آن خانه کاخ شاه بگویند.

قمه رئیس جمهورهای مستاجر در دنیا هم قصه جالبی است. اگر رئیس جمهور، دیوانه‌ای مثل دونالد ترامپ هم باشد که این قصه جالب‌تر می‌شود. ترامپی که حاضر نمی‌شد کلید کاخ سفید را تحویل مستاجر بعدی بدهد تا این که به زور متوسل شدند! ترامپی که در معماری خانه اجاره‌ای‌اش دست برده و تغییرات اساسی داده بود! تاریخ پر است از مستاجرهایی که رفتند و آمدند و صاحبخانه‌هایی که اثاث‌شان پهن خیابان شد.



محمد مصدق در یک اثاث‌کشی اجباری به احمدآباد مسقطی تبعید شد و همدانجا درگذشت

## اثاثت را می‌کشند!

زوری‌ترین اسباب‌کشی برای تبعیدی‌هاست. نه انتخاب کرده‌اند که مهاجرت کنند و نه برای درس خواندن و مستقل شدن از خانواده‌شان جدا می‌شوند. تاریخ ما هم پر است از تبعیدی. روستاهای دور افتاده و بدون امکانات در دل کویر هم مقصد تبعیدی‌هاست. از مشهورترین تبعیدی‌ها در تاریخ معاصر ما، تبعید محمد مصدق است به به قلعه احمدآباد. احمدآباد که به نام پسر مصدق نامگذاری شده بود، نزدیکی‌های هشتگرد است و در آن زمان ویرانه‌ای بی‌آب و علف بیش نبود. مصدق بعد از کودتا به اجبار مجبور به اثاث‌کشی به آنجا شد که در خاطراتش هم می‌نویسد ماموران به او اجازه ندادند چیز زیادی با خودش ببرد.

تبعید، تبعیدگاه و علت تبعید در دوره‌های مختلف متفاوت بوده اما در دوره پهلوی بیشتر به دلیل مبارزات سیاسی بود که موج اول آن سال ۴۳ و بعد از تبعید امام(ره) شروع شد. سمنان، گنبدکاووس و همدان از مقصدهای اصلی تبعیدی‌ها در آن زمان بود. بعضی تبعیدی‌ها هم مثل خود امام‌خمینی، به مقاصد دورتر تبعید می‌شدند تا بلکه از اثرات‌شان بیشتر کاسته شود و خطرشان دفع شود.

امام ابتدا سال ۴۳ به آنکارا و بعد بورسای ترکیه تبعید شد. سپس سال ۴۴ به نجف عراق منتقل شد تا دوران تبعید را در آنجا بگذراند که البته صدام، امام را از نجف هم اخراج کرد. آخرین تبعیدگاه امام هم در نوفل‌لوشاتوی پاریس بود که در مهر ۵۷ اتفاق افتاد.



کاخ سعدآباد از آن خانه‌هایی است که کرسی قدرت دارد و مستاجرش را سال‌هاست بیرون کرده است